

(پیوسته به گذشته)



جهاد اسلامی و تفاوت آن با جنگ و هراس انگیزی

نویسنده: احمد منیب حکیمی

بخش دوم

۲. وجیبه جهاد در اسلام

جهاد در مفهوم دعوت از دیدگاه قرآن، احادیث و اجماع امت مسلمان، فرض کفایی است، به این مفهوم که گروهی از مسلمانان باید در راه دعوت به اسلام جهاد نمایند و این جهاد تا آخرین رمق زندگی مسلمان و قیام قیامت جریان دارد، جهاد مسلحانه (قتال) نیز در صورت بروز اسباب و تحقق شرایط آن فرض کفایی است و این در صورتی است که سرزمین مسلمان مورد تجاوز و تعدی کفار قرار گیرد و اولی الامر مسلمان فرمان قتال را صادر نماید، هرگاه جمعی از مسلمین که قریب به آن دیار اند از دفع متجاوزین عاجز آیند، حضور سایر مسلمانان به اساس موقعیت در معارک قتال فرض می گردد، تا اینکه متجاوزین را از سرزمین شان خارج سازند.

در اسلام جنگ و قتال بخاطر دفاع و یا برای نجات طبقات محکوم جامعه با اجازه و تحت اداره حاکمیت مسلمان برای حصول هدف مشخص و معین براه می افتند، جنگ در اسلام یک ضرورت پنداشته می شود و مسلمان نباید در هیچ صورت قیام اخلاقی جنگ را فراموش نماید، قرآنکریم می فرماید که کفار همیشه آتش جنگ را در جوامع اسلامی می افروزند تا فساد را در زمین پیاده کنند در حالیکه خداوند جنگ را نمی خواهد و آنرا با صبر و حوصله مندی مسلمانان خاموش می سازد:

كَلِمًا أَوْ قُدُورًا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (المائدة: ۶۴)

کفار همیشه آتش جنگ را می افروزند و خداوند آنرا خاموش می سازد، می خواهند در زمین فساد (بدامنی) ایجاد کنند در حالیکه خداوند فساد کاران را دوست ندارد.

در حالیکه کفار آتش جنگ را افروخته اند، وقتی صبر و حوصله مندی مسلمان بجایی نرسد و چاره جزء جنگ نداشته باشیم در این حالت نیز وقتی کفار از جنگ دست بکشند باید به آن خاتمه دهیم (فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (البقره ۱۹۲) وقتی کفار از جنگ دست کشیدند پس خداوند بخشاینده و مهربان است.

و نیز می فرماید: و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله. (الانفال ۶۱) هرگاه کفار به آشتی روی آورند، پس شما نیز با توکل به خدا به صلح تن دهید.

با دقت و تحلیل زندگی پیامبر اسلام در می یابیم که هیچ غزوه پیامبر صلی الله علیه وسلم بخاطر اجبار مردم به دین و یا تجاوز و تعدی بالای حقوق دیگران صورت نگرفته است، برای درک حقایق جنگهای عهد نبوت لازم است اوضاع اجتماعی و سیاسی آن عصر را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

نزول قرآن کریم در مدت ۲۳ سال تکمیل گردید، از جمله ۱۳ سال را مسلمانان بحیث یک اقلیت در ظلم و ستم مشرکین مکه سپری نمودند، در این مدت مسلمانان با انواع ظلم و شکنجه مواجه شدند، از حقوق مسلم خود محروم گردیده، مجبور به ترک خانه و همه املاک خود گردیدند ولی در راه دعوت ثابت قدم باقی ماندند، و همه این مشقات را بدون رجوع به اعمال خشونت و تشدد گرایي سپری نمودند، وقتی ستم گرایي به حد اعظمی رسید مسلمانان مجبور شدند به سرزمین یثرب که بعداً بنام شهر پیامبر (مدینه النبی) نامیده شد هجرت نمایند و در آنجا توانستند اساس نظام اجتماعی خود را در یک فضای آزاد بنیاد نهند و شعایر دینی را آزادانه بجا آورند. بازهم مسلمانان وارد کدام معرکه و جنگ نگردیده بودند تا اینکه بعد از مرور دو سال اجازه یافتند در مقابل تجاوز کفار مکه به دفاع مبادرت ورزند قرآن کریم در این مورد می فرماید:

أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ، الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ بغيرِ حَقِّ إِلَّا أَن يُقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ (الحج ۳۹-۴۰) اجازه داده شد برای کسانی که جنگ میکنند (از مسلمانان) زیرا آنها مورد ستم واقع شده اند و خداوند به کمک آنها توانایی دارد، کسانی که از منازل شان بناحق بیرون کرده شدند، گناهی نداشتند جزء اینکه می گفتند پروردگار ما الله است.

با نزول این آیت اجازه دفاع در مقابل ظلم برای مسلمانان داده شد ولی از هر نوع تجاوز و از حد گذری ممنوع شدند، چنانچه می فرماید: وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (البقره : ۱۹۰) در راه خداوند بجنگید، همراهی کسانی که با شما می جنگند، ولی از حد تجاوز نکنید (اخلاقیات انسانی را فراموش نکنید) بدون تردید خداوند از حد تجاوز کننده گان را دوست ندارد.

بعد از نازل شدن این آیات چند جنگ محدود بین مسلمانان و مشرکان واقع گردیده است، در تمام آنها کافران آغاز گر فتنه جنگ بوده اند، پیامبر اسلام محیط اجتماعی صلح آمیز را در شهر یثرب اساس گذاشته بود و این شهری بود که تاریخ آن مملوء از جنگهای فرقه یی بوده است، اسلام عداوت آنها را به صلح دائمی مبدل کرد و تمام دشمنان را برادر همدیگر ساخت، بعداً پیمان صلح حدیبیه بین مسلمانان و کفار امضاء شد که مسلمانان متعهد به آن باقی ماندند ولی کفار پیمان خود را شکستند و تجاوز نمودند، مسلمانان مجبوراً لشکر بزرگ آماده کردند و توانستند به شکل مسالمت آمیز بدون اینکه هیچ خونی ریخته باشد وارد مکه شده و آنرا بدون انتقام جویی در صلح و آرامش تصرف نمودند.

با این سیاست که در قبال دشمنان در پیش گرفته شده بود، بیشترین تعداد کفار به اسلام روی آوردند، در تمام جنگها دیده می شود که مسلمانان به عدم ریختن خون مردمان بیگناه توجه جدی داشته اند، اولین دستور جنگی پیامبر اسلام که به اصحاب خود صادر کرده است چنین فرموده اند: اخرجوا باسم الله فقاتلوا فی سبیل الله من کفر بالله ولا تغدروا ولا تقتلوا الولدان ولا أصحاب الصوامع. بیرون شوید بنام خدا، پس پیکار کنید در راه خدا، با آنکه از خداوند انکار میکند، خیانت نکنید، اطفال و صاحبان معابد را نکشید.

۳. اقسام جهاد اسلامی

با در نظر داشت وسعت مفهوم جهاد اسلامی، علماء شرع جهاد اسلامی را به اقسام ذیل توضیح کرده اند:

جهاد نفسی یا جهاد انفرادی: هر مسلمان مکلف است در راه رضای خداوند متعال از اوامر اطاعت نماید و از نواهی اجتناب کند، به نیکویی امر کند و از منکرات و بدی ها منع نماید، این جهاد بنام جهاد اکبر خوانده شده است و هر مسلمان مکلف است تا به این طریق به تذکیه نفسانی بپردازد، این جهاد به هدف تذکیه نفس تا آخرین رمق حیات مسلمان یکی از مکلفیتهای شرعی می باشد.

جهاد برای دعوت: در بین مسلمانان باید گروهی باشد که برای نشر دعوت اسلامی سعی و تلاش بخرج دهد و این از فروض کفایی است، سایر مسلمانان را لازم است تا افراد و گروههای که بدون اغراض مادی و سیاسی برای رضای خداوند متعال در راه توسعه و نشر اسلام اقدام میکنند را کمک و همکاری نمایند، این جهاد توسط قلم، زبان و فراهم کردن زمینه های مالی صورت می گیرد، در مورد خداوند متعال می فرماید: ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر. باید از شما گروهی باشد که به اعمال نیک مردم را دعوت نماید و از اعمال بد منع کند.

جهاد مسلحانه (قتال فی سبیل الله): در صورت که کشور مسلمان مورد تجاوز کفار قرار گیرد و خطر استیلاء کفار و غلبه آنان بر بلدان اسلامی متصور باشد، جهاد به معنی قتال و جنگ دفاعی در مقابل متجاوزین به اجازه و فرمان اولی الامر مسلمان فرض کفایی می باشد، این نوع جهاد تحت اداره سالم حاکم مسلمان قرار میداشته باشد و مبتنی بر اساسات خاص است که هرگاه رعایت نگردد، فقط جنگ دفاعی را نمی توانیم جهاد بنامیم، جهاد دفاعی در قرآن برای شناخت اصالت مکتب ها یکی از بهترین راه های آن است که چگونگی رفتار آنها را با دشمن مخصوصا در میدان جنگ و پس از آن در برابر اسیران جنگی و پیامد های جنگ مورد بررسی قرار داده است.

جهاد اهل بغی: اینها کسانی هستند که برای قدرت سیاسی در کشور های مسلمان علیه دولتهای حاکم خود می جنگند در حالیکه هر نوع بغاوت علیه حاکم مسلمان در فقه اسلامی ممنوع قرارداده شده است، هرگاه حاکم مسلمان فرمان جهاد را علیه بغاوت کننده گان صادر نماید اطاعت آن بالای اهالی کشور فرض می گردد و این جهاد تا وقتی دوام دارد که آنها از راه گمراهی رجوع نموده به اطاعت ولی امر مسلمین در آیند.

جهاد محارب. قطاع الطريق و دزدان: این جهاد نیز همانند جهاد دفاعی از مکلفیتهای دولت اسلامی است تا برای تامین امنیت اتباع کشور خود به جهاد مبادرت کند.

برخی علماء اسلام، جهاد اسلامی را بر دو بخش تقسیم می کنند: **جهاد ابتدایی، و جهاد دفاعی** و برای هر یک از این دو بخش بخشهای دیگری وجود دارد، ولی در واقع حتی جهاد ابتدایی نیز یک نوع جهاد دفاعی است، جهاد دفاعی، جنگ و مبارزه ای است که در صورت تجاوز دشمن به حریم مسلمین واجب می گردد، جهاد ابتدایی، جهادی است که حاکم مسلمان برای دعوت دین خدا به جنگ وارد میشود، بدون اینکه طرف مقابل جنگ را آغاز کرده باشد، برخی فقهای اسلام جهاد ابتدایی را تنها در زمان پیامبر اسلام یا امام عادل که اجماع مسلمانان بالای آن باشد ممکن می دانند و انجام آنرا بدون اجازه حاکم مسلمان خطاء دانسته باعث گسترش فساد در جامعه تلقی میکنند، برخی از فقهای

اسلامی جهاد را حتی در زمان امام نیز تنها محدود به جهاد دفاعی می دانند، طبق نظر جمهور علماء هر دو نوع این جهاد منوط به فرمان و رهبری حاکمیت مسلمان در جامعه اسلامی می باشد، بدون موجودیت امام دامن زدن به جنگ را علماء اسلام ممنوع قرار داده اند.

در آیه ۳۹ سوره حج که به عقیده بعضی علماء نخستین آیه جهاد مسلحانه است می خوانیم: (أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ) به آنها که مورد تهاجم دشمن قرار گرفته اند، اجازه جنگ داده شده است و خداوند قادر به یاری آنهاست، بعداً در توضیح مطلب در آیه دیگری می افزاید: (الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ) همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود بدون هیچ دلیلی اخراج شدند جز اینکه می گفتند پروردگار ما خداوند یکتا است.

تعبیر آیه که با (اذن) شروع شده تناسب زیادی با گفته کسانی دارد که آنرا اولین آیات قتال می دانند و نشان می دهد که قبلاً چنین اذنی وجود نداشته است، این آیه به خوبی نشان می دهد که آغاز تشریح قتال، جهاد دفاعی در برابر دشمن بوده، همان دشمنانی که مسلمانان را مجبور به هجرت و ترک خانه و لانه خود کرده بودند بی آنکه گناهی داشته باشند.

برخی اولین حکم قتال را آیه ۱۹۰ سوره بقره می داند که می گوید: (وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ). با آنها که به نبرد با شما برخاسته اند در راه خدا پیکار کنید. با این نظریه نیز پایه جهاد مسلحانه بر اساس درهم شکستن تهاجم دشمن گذارده شده است و هر انسان عاقلی می داند سکوت در برابر تهاجم دشمن خونخوار با هیچ منطقی نمی سازد. تعبیر به فی سبیل الله نشان می دهد که حتی دفاع اسلامی نیز برای خدا و بر محور معیارهای الهی است نه برای هوا و هوس و سلطه جویی سیاسی.

برای خاموش کردن آتش فساد و فتن اجتماعی نیز باید به جنگ پرداخت، چنانچه در آیه ۱۹۳ سوره بقره می خوانیم: (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ ائْتَمَّوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ) با آنها (کفار) پیکار کنید تا آتش فتنه خاموش شود، و دین خداوند استوار گردد، اگر آنها (کفار) دست از فتنه جویی برداشتند مزاحم آنها نشوید، چون که تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.

تماس: ahmadmunib@yahoo.com

ادامه دارد